

تبیین جامعه‌شناختی احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر شبستر

کمال کوهی^{۱*}، صفر حیاتی^۲، صمد ستاری علیشاه^۳

- ۱- نویسنده مسئول*، دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی و عضو مؤسس قطب جامعه‌شناسی سلامت دانشگاه تبریز، مدیر گروه پژوهشی مسایل اجتماعی موسسه تحقیقات اجتماعی، تبریز، ایران. رایانامه: k.koohi@Tabrizu.ac.ir
- ۲- استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: s.hayati@tabrizu.ac.ir
- ۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه پردیس بین‌المللی جلفا، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: samad.sattary60@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخچه مقاله:</p> <p>دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵</p> <p>پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۳</p> <p>انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۳۰</p> <p>کلید واژه‌ها:</p> <p>احساس عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، نارضایتی از زندگی، سرمایه فرهنگی و حقوق شهروندی</p>	<p>هدف پژوهش: عدالت اجتماعی یکی از مفاهیم چالش برانگیز در طول تاریخ بوده و بسیاری از اندیشمندان درباره عدالت آنهم از نوع عدالت اجتماعی نظریه‌پردازی کرده‌اند. با این حال یکی از مشکلات و چالش‌های اساسی هر جامعه‌ای تقسیم منابع بر اساس عدالت اجتماعی بوده است. در همین راستا، مقاله حاضر به دنبال تبیین جامعه‌شناختی احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شبستر است.</p> <p>روش پژوهش: روش تحقیق کمی و تکنیک مورد استفاده برای اجرای آن پیمایشی بوده است. جامعه آماری ساکنان ۱۵ سال به بالای شهر شبستر را تشکیل می‌دهند که تعداد آنها برابر ۱۶۹۸۵ نفر می‌باشد. از این تعداد ۱۶۱۵ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه بوده است. طبق نتایج بدست آمده از تحلیل پایایی مقیاس‌هایی متغیرها، مقدار تمامی مقیاس‌ها بیشتر از ۰/۷ بوده است.</p> <p>یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داد که میزان احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شبستر در حد اندکی متوسط به بالا (۲/۵۹ از ۵ و ۵۳/۸ از ۱۰۰) بوده است. این میزان احساس عدالت اجتماعی بر حسب جنسیت یکسان بوده و اختلاف مشاهده شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار تلقی نمی‌شود. اما میانگین احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری بر حسب وضعیت تاهل و وضعیت شغلی معنادار بوده و مجردها و بیکارها بیشترین احساس عدالت اجتماعی و مطلقه‌ها و شاغلین کمترین احساس عدالت را داشته‌اند. همچنین، نتایج بدست آمده از برازش مدل ساختاری حاکی از آن است اولاً، مدل ساختاری تحقیق برای تبیین تغییرات احساس عدالت اجتماعی شهروندان مدل مناسبی است و ۲۰ درصد از تغییرات عدالت اجتماعی توسط متغیرهای مدل یعنی سن، میزان نارضایتی از زندگی، سرمایه فرهنگی و حقوق شهروندی تبیین می‌شود. دوماً، در بین متغیرهای مدل سن و سرمایه فرهنگی بیشترین تأثیر مثبت و میزان نارضایتی از زندگی نیز بیشترین تأثیر منفی در احساس عدالت داشته است.</p> <p>نتیجه‌گیری: میزان احساس عدالت اجتماعی تابعی است از وضعیت تاهل، وضعیت شغلی، سن، میزان نارضایتی از زندگی، سرمایه فرهنگی و حقوق شهروندی. بنابراین در سیاستگذاری‌های مرتبط با عدالت اجتماعی بایستی این عوامل مد نظر قرار گیرد.</p>

استناد: کوهی، ک. حیاتی، ص. ستاری‌علیشاه، ص. (۱۴۰۵). تبیین جامعه‌شناختی احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر شبستر، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۵(۱)، ۲۴۶-۲۲۷.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع 4 CC BY است.



[10.22034/jeds.2026.69187.1898](https://doi.org/10.22034/jeds.2026.69187.1898)

مقدمه

در جهان امروز، بحث دربارهٔ عدالت و یا بی‌عدالتی همواره در منابع، مراکز و محافل علمی و پژوهشی به شیوه‌های گوناگون مطرح بوده است. از جمله مهم‌ترین وجوه بی‌عدالتی و نابرابری‌ها، نابرابری‌های اجتماعی و بی‌عدالتی اجتماعی است که یکی از موضوعات مهم علوم اجتماعی بوده و در این زمینه دانشمندان حوزهٔ جامعه‌شناسی مطالعات زیادی را در سال‌های متمادی انجام داده‌اند. امروزه کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که با واژه «عدالت» و «عدالت اجتماعی» آشنا نباشد چرا که تیترا اخبار رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی محسوب می‌شود. جان رالز^۱ (۲۰۱۴) معتقد است عدالت، پایه‌ای‌ترین ارزش انسانی، فضیلت نخست و اساسی و یکی از عالی‌ترین مفاهیم زندگی بشری است و در عین حال نخستین فضیلت نهادهای اجتماعی می‌باشد (فاینشتاین^۲، ۱۴۰۰: ۷).

مارگارت مور^۳ (۲۰۲۱) مفهوم «عدالت^۴» را چنین بیان می‌کند: «عدالت در معنای وسیع آن بدین معنا است که با افراد باید به گونه‌ای عادلانه و منصفانه رفتار شود. این افراد باید آنچه را که سزاوار آن هستند دریافت کنند، با این تفسیر که چه چیزی «استحقاق^۵» را تحت تأثیر حوزه‌های متعدد قرار می‌دهد، با دیدگاه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت، از جمله مفاهیم صحت اخلاقی مبتنی بر اخلاق، عقلانیت، قانون، دین، برابری و انصاف. دولت‌ها گاهی اوقات با اجرای دادگاه‌ها و اجرای احکام تلاش می‌کند تا عدالت را افزایش دهد» (مور^۶، ۲۰۲۱). مفهوم عدالت از دیدگاه جان رالز؛ به هر آن موقعیتی اطلاق می‌شود که در آن قرار است چیزی مطلوب یا نامطلوب را میان انسان‌ها توزیع کنیم (رالز، ۱۴۰۰: ۴۸).

عدالت اجتماعی روابط عادلانه بین افراد و جامعه آنها را در بر می‌گیرد، اغلب با در نظر گرفتن اینکه چگونه امتیازات، فرصت‌ها و ثروت باید بین افراد توزیع شود (آکسفورد، ۲۰۲۳). عدالت اجتماعی نیز با تحرک اجتماعی، به ویژه سهولت حرکت افراد و خانواده‌ها بین اقشار اجتماعی همراه است (اورنشتاین^۷، ۲۰۱۷). عدالت اجتماعی از جهان وطنی متمایز است، یعنی این ایده که همه مردم به یک جامعه جهانی واحد با اخلاق مشترک تعلق دارند (کلینگلد و اریک^۸، ۲۰۱۴). هومنز، جامعه‌شناس، درباره مفهوم عدالت اجتماعی معتقدند که ریشه مفهوم عدالت این است که هر فرد باید پاداش‌هایی متناسب با کمک‌های خود دریافت کند (هومنز^۹، ۱۹۷۴: ۲۴۹-۲۴۶). فردریش هایک، اقتصاددان، مفهوم عدالت اجتماعی را بی‌معنی دانست و گفت که عدالت نتیجه رفتار فردی و نیروهای غیرقابل پیش‌بینی بازار است (هایک^{۱۰}، ۱۹۷۶: ۷۸). عدالت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با مفهوم عدالت رابطه‌ای دارد که در مورد رابطه عادلانه با افرادی است که دارای ویژگی‌های مشترکی مانند ملیت هستند یا به همکاری یا مذاکره مشغولند (ناگل^{۱۱}، ۲۰۰۵: ۱۱۳).

شکل‌گیری حقوق مدنی حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی در دوران مدرن، مظاهر جدیدی از تقاضاهای انسانی و اجتماعی ایجاد کرده که تلقی از عدالت را به شدت دستخوش تحول نموده است. ابعاد اجتماعی عدالت کاملاً مرتبط با

1. John Rawls
2. Feinberg
3. Moore, Margaret
4. Justice
5. Deserving
6. Moore, Margaret
7. Ornstein
8. Klingeld & Eric
9. Homans
10. Hayek
11. Nagel

سیاست‌گذاری‌های اجتماعی فضایی در حوزه‌هایی چون سلامت تأمین اجتماعی، مسکن، اشتغال، آموزش دسترسی به خدمات و تسهیلات شهری و مواردی از این دست‌ها است (فاینشتاین، ۱۴۰۰: ۸). در مجموع هدف اندیشمندان و مردمان عادی از «عدالت اجتماعی» توزیع عادلانه منابع اساسی و احترام به کرامت و تنوع انسانی است، به گونه‌ای که منافع هیچ اقلیتی و مبارزات و مطالبات به حق، هیچ گروهی در زندگی تضعیف نشود و این اشکال تعامل سیاسی است که همه گروه‌ها را قادر می‌سازد تا نگرانی‌های خود را برای تغییر بیان کنند. به همین ترتیب بررسی چگونگی استفاده از مفاهیم خاصی از شهروندی، عدالت اجتماعی، آزادی و برابری مهم و اساسی است (بسوک و همکاران^۱، ۲۰۰۶: ۲۶۷). اگرچه این دو مفهوم از نظر نوع متفاوت هستند، اما این دو مفهوم به هم مرتبط هستند. اول، هر دو مفهوم حقوق بشر حقوق شهروندی و مفاهیم مدرن غربی از در این زمینه ریشه دوانده است که بر اصل برابری و عدالت اجتماعی به عنوان ایده‌ای از حقوق طبیعی «حقوق غیرقابل انکار انسان» که اولین بار توسط فیلسوفان دوره روشنگری توضیح داده شدند. مفاهیمی که در آرمان‌های فلسفی و سیاسی اعلامیه استقلال آمریکا و منشور حقوق بشر و اعلامیه حقوق انسان و شهروند انقلاب فرانسه بیان شده‌اند (سوربگ^۲، ۲۰۰۱: ۱۷-۱۸). بر همین اساس شهروندی از جمله مفاهیم نو پدیداری است که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد. حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم است. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. شهروند در نظر فلاسفه و جامعه‌شناسان چیزی ورای یک هویت صرف سیاسی یعنی «رای دهنده» است. بدین‌سان «شهروند» به مثابه ستون و شاکله یک زیست اجتماعی توسعه یافته و یک ساختار سیاسی عادلانه و دموکراتیک رخ عیان می‌کند. از همین منظر، مفهوم «عدالت اجتماعی» در یک ارتباط تنگاتنگ نظری و عملی با حقوق مدنی، نشانگر غنای نظم معنایی هر جامعه است، بدین معنا که تا وقتی که حقوق مدنی وجود نداشته باشد، عدالت در معنای عام خود محقق نخواهد شد. آنچه عدالت را در ابعاد اجتماعی محقق می‌کند، ضرورت پاسداشت حقوق کسانی است که در یک جامعه انسانی عضو هستند. مطابق آنچه ذکر شد، عدالت اجتماعی هنگامی تحقق سیاسی- اجتماعی می‌یابد که «شهروندی» به مثابه یک هویت انکارناشدنی در متن جوامع بروز و ظهور یابد (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸).

با در نظر گرفتن مطالب فوق، عدالت اجتماعی یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی بوده و دارای ابعاد و مولفه‌های متنوعی است. بر همین اساس، دو بعد عدالت اجتماعی یعنی عدالت توزیعی و عدالت روبه‌ای در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته است: منظور از عدالت توزیعی رعایت عدالت در توزیع منابع و منافع حاصل از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و نظایران است؛ بر این اساس، منافعی که حاصل عملکرد جمعی‌اند، باید به گونه‌ای عادلانه توزیع شوند. ضمن اینکه در امتداد بحث از توزیع می‌توان حوزه نگرش را وسیع‌تر نمود و به نوعی توزیع عادلانه فرامکانی و فرازمانی اشاره کرد که هم فقیران سایر نقاط جهان را در نظر می‌آورد و هم فقیران احتمالی عصرهای آینده را (پورعزت، ۱۳۹۴: ۱۶۱). مهم‌ترین مسئله‌ی عدالت توزیعی انتخاب یک نظام است. اصول عدالت به ساختار بنیادین جامعه اطلاق می‌شوند و نحوه‌ی ترکیب نهادهای اصلی آن را در قالب طرحی واحد سازماندهی می‌کنند. در واقع، هدف نظریه‌ی عدالت به مثابه‌ی انصاف آن است که برای برآمدن از عهده‌ی پیشابندی‌های شرایط جزئی مفهوم عدالت روبه‌ای محض را به کارگیرد. نظام اجتماعی را باید به گونه‌ای طراحی کرد که توزیع حاصله، فارغ از این که نتیجه دست بر قضا چه چیزی از کار در می‌آید، عادلانه باشد (رالز،

1. Basok, Tanya, Ilcan, Suzan, Noonan, Jeff
2. Sjoberg

عدالت رویه‌ای یعنی عدالت درک شده از فرایندی که برای تعیین توزیع پاداش‌ها استفاده می‌شود (رابینز^۱، ۲۰۰۱: ۱۷۰). منظور از عدالت رویه‌ای رعایت عدالت در نحوه توزیع منافع منصفانه سهم‌های عادلانه حاصل از چرخه عمل و اقدام اداری با رویه و روشی شفاف و قابل فهم برای همه افراد است. همانطوریکه، نظریه‌ی عدالت به مثابه‌ی انصاف [تشکیل] جامعه را یک اقدام مشارکتی ریسک‌آمیز برای رسیدن به سود متقابل می‌داند (رالز، ۱۴۰۰: ۱۱۵).

عدالت اجتماعی یکی از اصول اساسی برای بقای بلند مدت نظام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی یک جامعه است. بر همین اساس اغلب نظام‌ها در تلاش هستند هم در شعار و هم در عمل به عدالت اجتماعی در ابعاد مختلف جامعه عمل ببوشانند، ولی در عمل بسیاری از نظام‌ها قادر به حفظ عدالت اجتماعی در جامعه و اجرای آن نیستند. برای همین دایماً مردم طلب رعایت عدالت همه جانبه در همه حوزه را از نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارند. علیرغم مبارزات مستمر از سوی مردم محروم و به حاشیه رانده شده در سراسر جهان و ابتکارات مختلفی که توسط دولت‌های ملی و سازمان‌های بین‌المللی انجام شده، عدالت اجتماعی یک هدف دست نیافتنی برای بسیاری از افراد مختلف باقی مانده است.

وضعیت عدالت در سطح جهان براساس آخرین گزارش از پروژه عدالت جهانی می‌توان گفت که وضعیت عدالت در جهان با یک رکود شتابان و عمیق‌شونده مواجه است. اکثریت قریب به اتفاق کشورها در مسیر افول هستند و این افول برای هشتمین سال متوالی ادامه داشته است. این نتایج نشان از زنگ‌های خطری جدی برای عدالت در سراسر جهان را به صدا درآورده است. کشورهایی مانند دانمارک، نروژ، فنلاند، سوئد و نیوزلند بیشترین احساس عدالت و نیکارگوئه، هائیتی، کامبوج، افغانستان و ونزوئلا به ترتیب بدترین وضعیت را دارند. یکی از نگران‌کننده‌ترین یافته‌های این گزارش، عدم توازن میان سرعت پیشرفت و افول است. کشورهایی که عملکردشان بهبود یافته، به طور متوسط ۵۲٪ افزایش امتیاز داشتند. در مقابل، کشورهایی که دچار افول شدند، به طور متوسط ۱۷٪ کاهش امتیاز را تجربه کردند. این یعنی نرخ تخریب نهادهای حاکمیت قانون، دو برابر نرخ بازسازی آنهاست^۲. وضعیت عدالت در ایران نیز مشابه روند جهانی است. به گونه‌ای که طبق نتایج تحقیق مصطفوی ثانی و همکاران (۱۴۰۰) می‌توان گفت که در سه حوزه عدالت اقتصادی، اجتماعی و حکمرانی (مشمول بر ۱۳۴ سنجه در ۱۷ بخش)، شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی تا اول دهه ۴۰۰ چندان مطلوب نبوده به عبارت دیگر امتیاز بدست آمده از شاخص‌های ترکیبی عدالت اجتماعی کمتر از ۵ از کل ۱۰ امتیاز است. این وضعیت نشان از روند نزولی ملایمی دارد. از سه حوزه اصلی، نامناسب‌ترین زیرشاخص، مربوط به عدالت در حوزه تعاملات اجتماعی بود. بنابراین، نتایج تحقیقات انجام شده نیز نشان از این مشکل در جوامع مختلف بوده است. هر چند برخی از جوامع بویژه جوامع توسعه یافته به صورت نسبی احساس عدالت اجتماعی را در شهروندان خود ایجاد نموده‌اند، اما در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مشکل جدی در این حوزه وجود دارد. در جامعه ایران نیز تلاش برای دستیابی به عدالت اجتماعی انجام می‌شود، ولی در عمل مردم و شهروندان از توزیع فرصت‌ها، منابع و امکانات در سطح کشور کمتر احساس عدالت می‌کنند. در همین راستا، تحقیق حاضر در بین شهروندان شبستر انجام شده است تا اولاً میزان احساس عدالت اجتماعی را در بین آنها مشخص سازد و دوماً، تأثیر عواملی مانند نارضایتی از زندگی، حقوق شهروندی و سرمایه فرهنگی بر تقویت و تضعیف احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستر تبیین نماید.

پیشینه تحقیق

۱- مبانی نظری

جامعه زمانی به سامان است که نه تنها برای پیش‌برد منافع اعضای خود طراحی شده باشد بلکه برداشتی عمومی از عدالت در اداره‌ی آن نقش موثر داشته باشد. اگر گرایش انسان‌ها به پی‌جویی منافع شخصی خویش ایشان را ناگزیر می‌سازد که

1. Robbins

2. <https://worldjusticeproject.org>

نسبت به یکدیگر محتاط و بدبین باشند، حس همگانی‌شان نسبت به عدالت گردهمای‌شان در سایه امنیت را ممکن می‌سازد. در میان افرادی که خواسته‌ها و اهداف جداگانه دارند، برداشت مشترکی از عدالت می‌تواند پیوندهای دوستی مدنی برقرار کند؛ گرایش عمومی به عدالت پی‌جویی دیگر اهداف را محدود می‌سازد. می‌توان برداشتی عمومی از عدالت را پایه گذر منشور اساسی هرگونه جماعت بشری به سامان قلمداد کرد (رالز، ۱۴۰۰: ۴۵). از این رو، یک جامعه‌ی عادل، حقوق و آزادی‌های مربوط به شهروندی را نقض ناپذیر می‌داند. حقوقی که عدالت ضامن آنهاست نه دستخوش معادلات سیاسی می‌شوند و نه تابع محاسبات مجموع منافع اجتماعی‌اند (فاینشتاین، ۱۴۰۰: ۱۳). جامعه‌ای که برای پیش‌برد خیر اعضای خود طراحی شده است و در ساماندهی‌اش برداشتی عمومی از عدالت نقشی موثر دارد. بر این پایه، جامعه‌ی به‌سامان جامعه‌ای است که در آن همگان در باب عدالت اصولی یکسان را می‌پذیرند و می‌دانند که این اصول مورد پذیرش همه است، جامعه‌ای که نهادهای اجتماعی بنیادین‌اش اصول یادشده را رعایت می‌کنند و همه می‌دانند که این اصول توسط این نهادها رعایت می‌شود (رالز، ۱۴۰۰: ۴۹۹).

جان رالز که از با نفوذترین اندیشمندان قرن بیستم است عدالت را به مثابه انصاف می‌داند. رالز دو اصل عدالت را به مثابه اصول اخلاقی اولیه لیبرال دموکراسی مطرح کرده است: نخست، از آزادی و فرصت‌های برابر بتوان دفاع نمود. دوم، اینکه در کدام شرایط می‌توان ادعا کرد که نابرابری‌ها، مورد پذیرش و عادلانه‌اند (رالز، ۱۹۷۱: ۱۷۰-۱۵۶). جان رالز در نظریه عدالت خود از استدلال قرارداد اجتماعی روسو استفاده کرد تا نشان دهد که عدالت، و به ویژه عدالت توزیعی، نوعی انصاف است؛ یعنی توزیع بی‌طرفانه کالاها. رالز گفت که هر یک از ما نظریه سودگرایانه عدالت را که می‌گوید باید رفاه را به حداکثر برسانیم را رد می‌کنیم، زیرا این خطر وجود دارد که تبدیل به کسی شویم که خیر خود او قربانی منافع بیشتر برای دیگران شود. به راستی عدالت مفهومی چند وجهی است. از یک سو با واقعیت و از سوی دیگر با وضعیت مطلوب سر و کار دارد منظور از وضعیت مطلوب همان وضعیتی است که هر کس قادر باشد به حق خود برسد. چنانچه تعیین حق در روابط دو نفر سخت باشد طراحی الگویی که بتوان بر اساس آن حقوق افراد یک جامعه را تعیین کرد، محال خواهد بود (فرقانی، ۱۴۰۰: ۷۷).

استدلال رالز در اثبات پایایی نظریه خود از دو بخش تشکیل می‌شود که یکی روانشناسانه و دیگری فلسفی است. او با توسل به روانشناسی اخلاقی نشان می‌دهد که رشد اخلاقی فرد در جامعه به‌سامان؛ جامعه‌ای که مطابق با دو اصل عدالت اداره می‌شود - به تدریج به شکل‌گیری حسی از عدالت می‌انجامد. رالز از سه قانون روانشناسانه نام می‌برد که هر سه بر «اصل معامله به مثل» یا «گرایش پاسخ گفتن نیکی با نیکی» استوارند:

قانون نخست: اگر فرض کنیم که نهادهای خانواده عادلانه‌اند، و پدر و مادر عاشق فرزند خود هستند و عاشق‌شان را با حمایت از خیر او آشکارا ابراز می‌کنند، در آن صورت کودک مهر آشکار ایشان به خود را تشخیص می‌دهد و در مرحله‌ای از رشد او نیز عاشق ایشان می‌شود (رالز، ۱۴۰۰: ۱۴).

قانون دوم: اگر فرض کنیم از طریق اکتساب همین تعلق‌ها و دلبستگی‌ها بر طبق قانون نخست ظرفیت همدلی در شخص فعلیت یافته است، و اگر فرض کنیم که سازمان اجتماعی مورد نظر عادلانه است و همگان آن را عادلانه می‌دانند، در آن صورت هم‌چنان که هم‌قطاران او با نیتی آشکار به تکلیف و وظایف‌شان عمل می‌کنند و به ایده‌آل‌های جایگاه خود وفادار می‌مانند، پیوندهای مبنی بر احساس دوستی و اعتماد به دیگران در وی پدید می‌آید.

قانون سوم: اگر فرض کنیم که از طریق شکل‌گیری این تعلق‌ها و دلبستگی‌ها بر طبق دو قانون نخست، ظرفیت همدلی در شخص فعلیت یافته است، و اگر فرض کنیم که نهادهای جامعه عادلانه‌اند و همگان آن را عادلانه می‌دانند، در آن صورت هم‌چنان که او تشخیص می‌دهد که این سازمان‌ها به سود او و به سود کسانی است که وی به ایشان اهمیت می‌دهد، احساسی از عدالت در او شکل می‌گیرد (رالز، ۱۴۰۰: ۱۵). احساس عدالت یکی از شاخص‌های اصلی رفاه اجتماعی

در دنیای امروز می‌باشد. احساس عدالت را در قالب رفاه از دو بُعد در نظر می‌گیرند از یک زاویه آن را در قالب فردی، اجتماعی و سیاسی (عملکرد مسئولین و سازمان‌ها) تقسیم‌بندی می‌کنند و از بُعد دیگر آن را به عدالت توزیعی و رویه‌ای تقسیم می‌کنند (اثری تمبکی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۰).

فلسفه عدالت عمدتاً بر مصادیق اجتماعی آن که به گفته مارشال به شکل حقوق اجتماعی پس از حقوق مدنی و سیاسی و در شرایطی که رفاه نسبی برقرار می‌شود ظهور می‌کند در هر کشوری که به طور نسبی از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار است بنیان‌های حقوق اجتماعی شکل می‌گیرد حقوق اجتماعی پایه‌ی سیاست اجتماعی است که به منظور بهبود رفاه و برآورده ساختن نیازهای انسانی اتخاذ می‌شود و نوعی مداخله عامدانه دولت یا نهادهای اجتماعی به منظور کاهش نابرابری‌ها و برقراری عدالت اجتماعی است. سیاست اجتماعی سه کارکرد مهم دارد که هر یک از آنها می‌تواند به کاهش نابرابری، توانمندسازی ایجاد عدالت و تعادل بخشی اجتماعی و اقتصادی جامعه یاری رساند (فاینشتاین، ۱۴۰۰: ۱۷-۱۶).

به نظر مارشال، شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام‌عیار اجتماع هستند داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این جایگاه هستند. حقوق شهروندی، حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی، مانند؛ حقوق سیاسی، حق استخدام، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصدق واقع شدن. بنابراین واژه مذکور اعم از حقوق سیاسی است. پس می‌توان گفت حقوق شهروندی، زمانی مطرح می‌شود که قرار است حقوق بشر در درون یک جامعه مدنی ذیل یک حکومت خاص در سرزمینی خاص و در مورد مردمی خاص، شکل قانونی و اجرای به خود بگیرد (عموفلی میراخوری، ۱۳۸۹: ۶۵). در ارتباط با حقوق شهروندی به چهار نوع حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و حقوق فرهنگی اشاره شده است.

آدامز در نظریه برابری خود نشان داد که افراد مایل‌اند، درقبال انجام کار پاداش منصفانه‌ای دریافت کنند؛ به عبارت دیگر به اندازه همکارانشان از پاداش‌های انجام کار بهره‌مند شوند (گرونبرگ^۱، ۲۰۰۴). طبق نظریه برابری آدامز، افراد، از رفتار عادلانه و منصفانه استقبال می‌کنند. این نظریه تأکید می‌کند که اگر افراد، در قیاس داشته‌ها و نداشته‌های خود را با داشته‌ها و نداشته‌های دیگران احساس نمایند که تبعیضی بر علیه آنها اتفاق افتاد است، تصمیم به عکس‌العمل می‌گیرند. در واقع، اشخاص زمانی احساس عدالت می‌کند که در قیاس داشته‌های خود با داشته‌های دیگران تناسبی مشاهده کند. براساس نظریه برابری، وضعیت نابرابری، تنش و بدبینی در اشخاص را تقویت کرده و زمینه را برای اعتراض فراهم می‌سازد (گروسی و شمس‌الدینی، ۱۳۹۲).

در رویکرد لیبرال دموکراسی، فایده‌گرایی چون ساندل (۱۹۹۵) معتقدند عدالت یعنی؛ خیر کلی جامعه، از خیر یک‌ایک اعضای آن تشکیل می‌شود. بر اساس این اصل، تضمین عدالت تابع محاسبات منافع اجتماعی می‌گردد (پورعزت، ۱۳۸۵: ۲۵). در ارتباط رضایت‌مندی و عدالت اجتماعی می‌توان گفت عدالت یعنی برقراری سطحی از تعادل اجتماعی که در آن هر کس بتواند به حق خود برسد. تعادل نیز زمانی برقرار می‌شود که امکان مبادله به رضایت بین افراد برقرار شود لازمه امکان مبادله به، رضایت داشتن حق انتخاب و برقراری آزادی در رفتار است. بنابراین، عدالت‌الگویی است که امکان حداکثرسازی رضایت ذهنی افراد برای بر خورداری از موقعیت‌ها و فرصت‌ها برحسب انتظارات را فراهم می‌کند (فرقانی، ۱۴۰۰: ۸۱-۷۷).

یکی از مفاهیم مرتبط در عدالت اجتماعی توزیع مناسب سرمایه فرهنگی در جامعه است. بورديو سرمایه فرهنگی را شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب تعریف می‌کند (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۹). از نظر بورديو، سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل وجود داشته باشد: در حالت تجسم یافته^۲؛ یعنی به شکل

خصائل دیرپای فکری و جسمی، در حالت عینیت یافته^۱ به شکل کالاهای فرهنگی) تصاویر کتاب‌ها، لغت‌نامه‌ها، ادوات، ماشین‌آلات و غیره (که ردپا یا تحقق نظریه‌ها یا نقد این نظریه‌ها و غیره است و بالأخره در حالت نهادینه شده^۲؛ یعنی شکلی از عینیت یافتگی که باید حسابش را جدا کرد؛ زیرا خواص اصلی خود را به طور کامل، به سرمایه فرهنگی که بنا به فرض، ضمانت کننده آن است، واگذار می‌کند. حالت نهادینه شده، عینیت‌یابی سرمایه فرهنگی به شکل مدارک و مدارج آموزشی، یک راه خنثی کردن خواصی است که ناشی از آن است که این سرمایه متجسد، با جسم فرد حد و مرز یکسان دارد. این عینیت‌یابی چیزی است که موجب تفاوت میان سرمایه خودآموخته و سرمایه فرهنگی متظاهر به مدارج آموزشی و امتیازات ضمانت شده می‌باشد و از نظر رسمی، مستقل از شخص حامل است (بورديو، ۱۳۹۰). این حالت، نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه فرهنگی است. مدارک تحصیلی و آکادمیک، نمونه‌ای از این حالت است. احراز مدارک تحصیلی یا اعطای تمایز نهادی به سرمایه فرهنگی که در تملک یک فرد خاص قرار می‌گیرد، این امکان را به وجود می‌آورد که صاحبان این صلاحیت‌ها با هم مقایسه و حتی (با نشان دادن یکی به جای دیگری) مبادله شوند (واقفی و حقیقتیان، ۱۳۹۳). سرمایه همچنان که بورديو می‌گوید، به دو صورت به فضای اجتماعی نظم می‌بخشد؛ یکی با حجم سرمایه و دیگری با ترکیب. صورت اول، موقعیت‌های برخوردار از انواع سرمایه را از موقعیت‌های خالی از آن جدا می‌کند و عامل ترکیب سرمایه قادر است برای نمونه، موقعیت‌های اجتماعی بسیار برخوردار را از موقعیت‌های اقتصادی بسیار برخوردار جدا سازد. در این وضعیت کانون کشمکش به میان گروه‌های مرفه بر سر کنترل کالاهای نمادین کشانده می‌شود (کوهی، ۱۴۰۰: ۳۳). که نتیجه آن افزایش نابرابری و تشدید بی‌عدالتی در جامعه خواهد بود.

۲- پیشینه تجربی تحقیق

پیرامون موضوع تحقیق مطالعات زیادی انجام گرفته است که مطالعه قنبری و همکاران (۱۴۰۱) از جمله آنها است نشان دادند که بین سه متغیر عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار مشاهده گردید. مشکینی و نصرتی (۱۴۰۰) در تحقیق خود نیز نشان دادند که «آموزش حقوق شهروندی» اثرگذاری بسیار بالایی جهت تحقق عدالت اجتماعی در شهرهای ایران برخوردار می‌باشند. در همین راستا، فرجی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی نقش احساس برخورداری از حقوق شهروندی و ابعاد سرمایه‌های اجتماعی بر جهت‌گیری جامعه‌پسندانه دانش‌آموزان» نشان دادند که احساس برخورداری از حقوق شهروندی (ابعاد حقوق اجتماعی، فرهنگی و مدنی) ۲۰ درصد از واریانس جهت‌گیری جامعه‌پسندانه را در جهت مثبت پیش‌بینی می‌کنند. این نتایج نشان‌دهنده اثرات مثبت سازه‌های احساس برخورداری از حقوق شهروندی و سرمایه‌های اجتماعی در جهت‌گیری جامعه‌پسندانه و عدالت اجتماعی است.

نتایج تحقیق افشانی و کبریایی (۱۳۹۹) نشان داد که همبستگی منفی معنی‌داری بین احساس عدالت اجتماعی و ابعاد آن با بدبینی اجتماعی وجود داشت؛ بنابراین، با کمتر شدن احساس عدالت اجتماعی، بدبینی اجتماعی بیشتر می‌یابد. حیدری ساریان و ثابت (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «تبیین رابطه عدالت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی شهرستان اردبیل» نشان دادند که عدالت اجتماعی از طریق تقویت مولفه‌های دسترسی به منابع، حکمروایی خوب مسیر است. لشکری (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود ادعا کرده است فساد توزیع عادلانه فرصت‌های اقتصادی و درآمدها، برقراری عدالت اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده و سبب کاهش کیفی سرمایه اجتماعی کشور می‌گردد.

نیازی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی که در میان شهروندان شهر کاشان انجام دادند به این نتایج دست یافتند که بین عوامل مورد بررسی (عدالت توزیعی، مصرف‌گرایی، امنیت اجتماعی) و میزان رضایت از زندگی، رابطه مستقیم و همبستگی

مثبت وجود دارد. نتایج تحقیق نوروزی و گل پرور (۱۳۹۰) نیز بیانگر آنست که میزان برخورداری زنان از حقوق شهروندی پایین است. همچنین متغیرهای سن و وضعیت تاهل بر میزان برخورداری زنان از حقوق شهروندی موثر است. یافته‌های تحقیق هزار جریبی (۱۳۹۰) حاکی از آن است که میزان احساس عدالت و سرمایه فرهنگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. هاشمی و همکاران (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان «حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی» انجام داده‌اند و ادعا کرده‌اند که حفظ حقوق انسان در جامعه عدالت اجتماعی را تضمین می‌کند. تحقق عدالت اجتماعی زمانی است که «شهروندی» به مثابه یک هویت انکارناشدنی در متن جوامع بروز و ظهور یابد.

ریس و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان «شهروندی، عدالت اجتماعی و توانمندسازی جمعی: زندگی خارج از بیماری روانی» استدلال می‌کند که چگونه فرصت‌های برابر و تعلق می‌تواند به افرادی که مشکلات سلامت روانی را تجربه می‌کنند و همه اعضای هر جامعه ارائه دهد. بازیابی حقوق شهروندی شامل شمول اجتماعی و مشارکت کامل افراد در جامعه و تلاش‌های فردی و جمعی برای حمایت از مسئولیت اخلاقی و جمعی است. عملکرد شهروندی جمعی موجب افزایش قابل توجهی در کیفیت زندگی، میزان و رضایت از فعالیت‌های خود، رضایت از کار، و رضایت از امور مالی خود و رضایت از زندگی داشتند و می‌تواند ارتباطات انسانی را ارتقا بخشد و موجب عدالت اجتماعی و توانمندسازی جمعی گردد. جیا^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی با روش کمی و با استفاده از دو نظرسنجی طولی در چین به بررسی رابطه دوسویه بین رضایت از زندگی و احساس عدالت اجتماعی در طول زمان پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که در سطح بین‌فردی، رضایت از زندگی و احساس عدالت اجتماعی همبستگی مثبت داشتند. در سطح درون‌فردی، رابطه به صورت یک‌طرفه بود: افزایش رضایت از زندگی در یک فرد، منجر به افزایش احساس عدالت اجتماعی او در آینده می‌شد، اما عکس این رابطه صادق نبود. اثر تعدیل‌گری درآمد نشان داد که این رابطه یک‌طرفه (تأثیر رضایت از زندگی بر عدالت اجتماعی) تنها در گروه افراد کم‌درآمد وجود دارد. این تحقیق رابطه علی یک‌طرفه را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که احساس عدالت اجتماعی به ویژه در گروه‌های کم‌درآمد می‌تواند پیامد رضایت از زندگی باشد.

هاکینگ^۳ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «عدالت شغلی به عنوان عدالت اجتماعی» عدالت شغلی به طور معمول به عنوان جنبه‌ای از عدالت اجتماعی، یک دیدگاه فلسفی است که به طور سنتی بر رفتار با مردم با احترام و توزیع عادلانه منابع اجتماعی تأکید دارد. دیدگاه‌های معاصر به جای آنچه دریافت می‌کنند، بر پذیرش تفاوت‌ها و آنچه که مردم توانایی انجام دادن را دارند تأکید می‌کنند. محرومیت شغلی تقریباً همیشه مورد استناد قرار می‌گرفت و نقض حقوق شغلی مردم شناسایی می‌شد. دعاوی برای عدالت اجتماعی و شغلی با تأکید بر حق کار مرتبط بودند.

دورنبال^۴ (۲۰۱۵) در تحقیق خود به بررسی نقش شهروندی در گفتمان جنبش ۱۵ام^۵ می‌پردازد که در مارس ۲۰۱۱ در اسپانیا شکل گرفت. جنبش ۱۵ام یک جنبش اجتماعی معاصر است که به شدت غیرمتمرکز و شبکه‌ای بوده و خواستار دگرگونی در نظام سیاسی و مالی بود. ویژگی‌های این جنبش جالب توجه است، چرا که هیچ سخنگویی نداشت، کنشگران متنوعی در آن حضور داشتند و از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و دیجیتال بهره می‌گرفت. او در تحقیق بر این تمرکز کرده بود که جنبش ۱۵ام چگونه شهروندی را مفهوم‌پردازی می‌کند و چگونه از این گفتمان در مبارزه خود برای عدالت اجتماعی استفاده می‌کند. جنبش‌های اجتماعی و شهروندی به هم مرتبط هستند، زیرا جنبش‌ها برای گسترش شهروندی مبارزه می‌کنند.

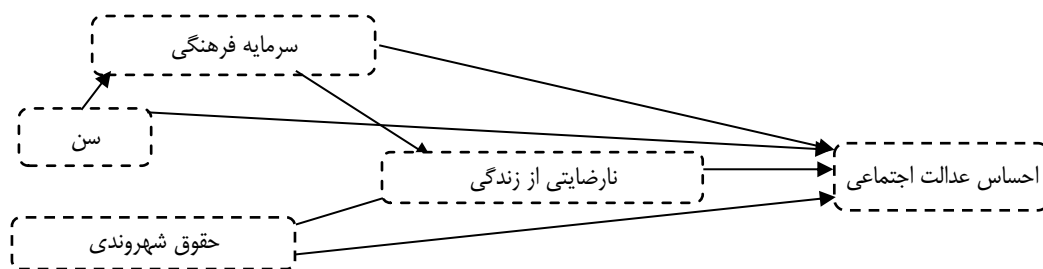
1. Reis et al.
2. Jia and et al.
3. Hocking
4. Doornenbal
5. M15

او استدلال کرده که جنبش ۱۵م شهریوندی را به عنوان یک فرآیند پویا مفهوم‌پردازی می‌کند که بر پایه خودمختاری شهروندان استوار است. علاوه بر این، شهریوندی فراتر از جایگاه قانونی معنا می‌یابد. به عقیده آنان، شهریوندی شامل مشارکت مستقیم در یک نظام دموکراتیک است که باید از طریق مباحثه و تصمیم‌گیری جمعی در فضای عمومی تحقق یابد. این جنبش تصویر خود از شهریوندی را از طریق تظاهرات و ایجاد مجامع مشورتی در فضای عمومی محقق ساخت.

با بررسی نظریه‌ها و تحقیقات قبلی داخلی و خارجی این گونه استنباط می‌شود در نظریه عدالت اجتماعی رالز و برابری آدامز هر چقدر رضایت از زندگی بیشتر شود بر احساس عدالت اجتماعی نیز افزوده خواهد شد و نتایج پژوهش افشانی و کبریایی (۱۳۹۹)، لشکری (۱۳۹۶)، مشکینی و نصرتی‌هشی (۱۴۰۰)، ریس و همکاران (۲۰۲۲)، هزار جریبی (۱۳۹۰)، هاکینگ (۲۰۱۷)، قنبری و همکاران (۱۴۰۱) دال بر این موضوع است. همچنین نتایج پژوهش ریس و همکاران (۲۰۲۲)، نیازی و همکاران (۱۳۹۶)، هزار جریبی (۱۳۹۰)، قنبری و همکاران (۱۴۰۱)، فرجی و همکاران (۱۴۰۰) استنباط می‌شود که سن، سرمایه فرهنگی، حقوق شهریوندی و رضایت از زندگی و احساس عدالت اجتماعی با هم‌دیگر مرتبط هستند.

جدول شماره ۱: متغیرهای استخراج شده از پیشینه‌ی نظری و تجربی تحقیق

متغیرهای اصلی	نظریه‌ها	تحقیقات
احساس عدالت اجتماعی	عدالت اجتماعی رالز و برابری آدامز	افشانی و کبریایی (۱۳۹۹)، لشکری (۱۳۹۶)، مشکینی و نصرتی‌هشی (۱۴۰۰)، ریس و همکاران (۲۰۲۲)، هزار جریبی (۱۳۹۰)، هاکینگ (۲۰۱۷)، قنبری و همکاران (۱۴۰۱)
رضایت از زندگی	رالز، برابری آدامز و مازلو	ریس و همکاران (۲۰۲۲)، نیازی و همکاران (۱۳۹۶)
سرمایه فرهنگی	بورديو، کلمن	هزار جریبی (۱۳۹۰)، قنبری و همکاران (۱۴۰۱)، فرجی و همکاران (۱۴۰۰)
حقوق شهریوندی	مارشال	مشکینی و نصرتی‌هشی (۱۴۰۰)، فرجی و همکاران (۱۴۰۰)، ریس و همکاران (۲۰۲۲)



شکل شماره ۱: مدل نظری تحقیق

روش‌شناسی

تحقیق حاضر بر پارادایم کمی استوار است و در اجرای تحقیق کمی نیز از تکنیک تحقیق پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق ساکنان ۱۵ سال به بالای شهر شبستر را تشکیل می‌دهد.

بر اساس آمار و ارقام سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر ۱۶۹۸۵ نفر بوده است در سطح اطمینان ۹۹ درصد^۱ تعداد نمونه ۶۴۰ نفر تعیین شده بود، لذا جهت افزایش تعمیم‌پذیری نتایج و دقت نمونه، تعداد نمونه تا ۱۶۱۵ افزایش داده شده است. برای انتخاب این تعداد از افراد از نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شده است.

۱. در سطح اطمینان ۹۹ درصد اولاً تعداد نمونه بیشتری از جامعه انتخاب می‌شود، ثانیاً، دقت تعمیم‌پذیری نتایج و قابلیت اعتماد آنها را نیز تا یک درصد خطا کاهش می‌دهد.

$$n = \frac{NpqT^2}{Nd^2 + pqT^2} = \frac{16985.0/5.0/5.(2.85)^2}{16985.0/05^2 + 0/5.0/5.(2.85)^2} = \frac{28264.74}{44.14} = 640.34$$

$$p = 0.5 \quad q = 0.5 \quad d = 0.05 \quad T = 2.58 \quad N = 16985 \quad n = 640.33$$

p: احتمال وجود صفت در جامعه آماری. q: احتمال عدم وجود صفت در جامعه آماری.

گردآوری داده‌های تحقیق حاضر از طریق پرسشنامه انجام شده است. برای تأیید روایی محتوایی پرسشنامه از نظرات اساتید و نیز متخصصان مرتبط استفاده شده و پس از تأیید روایی محتوایی پرسشنامه به اجرا گذاشته شد. همچنین برای بدست آوردن پایایی^۱ پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ^۲ استفاده شده است. نتایج تحلیل پایایی متغیرهای تحقیق نشان از پایایی بالای ۰/۷ است.

جدول شماره ۲: پایایی پرسشنامه و متغیرها

عنوان متغیر	نوع متغیر	مقدار آلفای کرونباخ
احساس عدالت اجتماعی	وابسته و ابعاد	۰/۸۸
عدالت رویه‌ای		۰/۷۶۱
عدالت توزیعی		۰/۸۸۲
نارضایتی از زندگی	مستقل	۰/۹۰
سرمایه فرهنگی	مستقل	۰/۸۷
حقوق شهروندی	مستقل	۰/۸۱

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق عبارتند از: احساس عدالت اجتماعی (متغیر وابسته) و نارضایتی از زندگی، سرمایه فرهنگی و حقوق شهروندی عنوان متغیرهای مستقل هستند.

عدالت اجتماعی: سازمان ملل، عدالت اجتماعی را «توزیع عادلانه و دلسوزانه ثمره‌های رشد اقتصادی» می‌داند (سازمان ملل^۳، ۲۰۰۶). احساس عدالت نیز حاصلی از ذهنیت و عینیت عدالت در جامعه است (نوایی لواسانی، ۱۳۹۱: ۲). به اعتقاد جمیل صلیبا «عدالت توزیعی» شامل: توزیع عادلانه ثروت و منابع، فرصت‌های آموزشی و اجتماعی، پاداش‌ها و حقوق و مزایا بین افراد و «عدالت رویه‌ای» نیز وجود عدالت در رویه‌ها و فراگردهای اجتماعی است. در واقع، به فرایندی اشاره دارد که در آن، تصمیم‌ها یا نتایج تصویب می‌شوند (خدمیان و خانمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۱۲). در این پژوهش برای سنجش میزان احساس عدالت اجتماعی از دو بعد عدالت رویه‌ای و عدالت توزیعی استفاده شده است. احساس عدالت اجتماعی در دو بخش عدالت رویه‌ای با ۸ گویه و عدالت توزیعی با ۱۸ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

حقوق شهروندی: حقوق شهروندی مشارکت در با هم زیستن است (عابدینی و لطف اله‌پور، ۱۳۹۵). آلن سیرز و وان هبرت در تحلیل ابعاد حقوق شهروندی، دیدگاه دیگری را بیان می‌کنند که عبارتند از: بعد مدنی شهروندی، بعد سیاسی شهروندی، بعد اجتماعی-اقتصادی شهروندی، بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی (فتحی و اجارگاه و واحد چوکده، ۱۳۸۸).

1. Reliability
2. Cronbach Alpha Test
3. United Nation

برای تعریف عملیاتی پرسشنامه حقوق شهروندی از ۴ مولفه اصلی (حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و حقوق فرهنگی) با ۲۱ گویه مورد سنجش قرار گرفته است (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸).

سرمایه فرهنگی: بورديو سرمایه فرهنگی را شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب تعریف می‌کند (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۹). در تحقیق حاضر سرمایه فرهنگی با استفاده از ۳ مولفه اصلی سرمایه فرهنگی تجسم یافته با ۶ گویه، سرمایه فرهنگی عینیت یافته با ۵ گویه و سرمایه فرهنگی نهادی شده با ۷ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

ناراضیاتی از زندگی: هال^۱ (۲۰۲۳) در تعریف «رضایت از زندگی»^۲ بیان می‌کند: «رضایت از زندگی تأیید یا نگرش مثبت نسبت به زندگی فرد است». رضایتی که به برآورده شدن انتظارات یا استانداردها اشاره دارد. رضایت از زندگی به جای ارزیابی احساسات فعلی، شامل نگرش مطلوب نسبت به زندگی است. رضایت از زندگی در رابطه با وضعیت اقتصادی، میزان تحصیلات، تجربیات، محل سکونت و سایر عوامل اندازه‌گیری شده است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳، ۲۰۱۳). برای تعریف عملیاتی ناراضیاتی از زندگی از مقیاس رضایت از زندگی (SWLS) که توسط داینر و همکاران^۴ (۱۹۸۹) ساخته شده در ۱۴ گویه با سه بعد به شرح ذیل (تجربه رضایت از زندگی ۵ گویه، فرصت پیشرفت و ارتقای شغلی ۵ گویه، منزلت اجتماعی ۷ گویه) با کدگذاری معکوس استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

نتایج بدست آمده از تحلیل توصیفی متغیرهای زمینه‌ای (جدول ۳) نشان‌دهنده این است که اکثریت شهروندان مطالعه شده از لحاظ وضعیت جنسی مرد، از حیث گروه سنی ۱۵ تا ۲۴، از حیث وضعیت تاهل مجرد، از حیث وضعیت شغلی شاغل بوده‌اند.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی جنسیت شهروندان شبستری

متغیر	توزیع فراوانی و درصد
جنسیت	۷۰۸ نفر (۴۳/۸) درصد را زنان و ۹۰۷ نفر را (۵۶/۲) درصد را مردان
گروه سنی	گروه سنی ۱۵ تا ۲۴، ۷۳۰ نفر (۱۲/۳) درصد
وضعیت تاهل	۸۳۴ نفر (۵۱/۸) درصد از شهروندان شبستری مجرد، ۷۲۸ نفر (۴۵/۱) درصد از شهروندان شبستری متاهل، ۱۵ نفر (۰/۹) درصد از شهروندان شبستری مطلقه، ۱۴ نفر (۰/۹) درصد از شهروندان شبستری فوت همسر و ۲۴ نفر (۱/۵) کد گمشده
وضعیت شغلی	۵۳۹ نفر (۳۳/۴) درصد بیکار، ۵۳۹ نفر (۵۹/۱) شاغل و ۱۲۲ نفر (۷/۶) درصد کد گمشده

نتایج حاصل از تحلیل توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق نیز نشان می‌دهد (۱) متوسط میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری ۲/۶۹ از ۵ و ۵۳/۸ درصد از ۱۰۰ بوده است. بررسی میزان احساس عدالت شهروندان شبستر در بعد عدالت رویه‌ای و توزیعی نشان داد که احساس عدالت در میان شهروندان شبستری در بعد رویه‌ای بیشتر از بعد عدالت توزیعی می‌باشد. همچنین متوسط میزان ناراضیاتی از زندگی ۳/۴ از ۵ و ۶۸/۵ از ۱۰۰. این میزان حاکی از بالا بودن احساس ناراضیاتی از زندگی در میان شهروندان شبستری بوده است.

میزان سرمایه فرهنگی ۲/۹۵ از ۵ و ۵۹/۰ از ۱۰۰ و میزان حقوق شهروندی ۳/۵۴ از ۵ و ۷۰/۸ از ۱۰۰ می‌باشد. این میزان‌ها نشان‌دهنده متوسط به بالا بودن احساس عدالت اجتماعی، میزان ناراضیاتی از زندگی، میزان سرمایه فرهنگی و میزان حقوق شهروندی در بین شهروندان شبستر بوده است.

1. Hall
2. Life satisfaction
3. Economic Cooperation and Development Organization(OECD)
4. Diener et al.

جدول شماره ۴: آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری

آماره‌ها	احساس عدالت اجتماعی	عدالت رویه‌ای	عدالت توزیعی	نارضایتی از زندگی	سرمایه فرهنگی	حقوق شهروندی
تعداد مشاهدات	۱۶۱۵	۱۶۱۵	۱۶۱۵	۱۶۱۵	۱۶۱۵	۱۶۱۵
دامنه تغییرات	۴	۴	۴	۳/۸۳	۴	۴
حداقل	۱	۱	۱	۱/۱۷	۱	۱
حداکثر	۵	۵	۵	۵	۵	۵
میانگین	۲/۶۹	۲/۷۳	۲/۶۶	۳/۴	۲/۹۵	۳/۵۴
میانگین درصدی	۵۳/۸			۶۸	۵۹	۷۰/۸
خطای استاندارد میانگین	۰/۰۱	۰/۰۱۸	۰/۰۱۶	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱
انحراف معیار	۰/۶۱	۰/۶۹	۰/۶۴	۰/۶۹	۰/۶۷	۰/۵۴
واریانس	۰/۳۷	۰/۴۷۶	۰/۴۱۰	۰/۴۷	۰/۴۵	۰/۲۹

بررسی میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری برحسب جنسیت نشان داد که متوسط احساس عدالت اجتماعی زنان در قیاس با مردان اندکی بالاست اما این میزان اختلاف برحسب نتایج آزمون تفاوت میانگین در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار تلقی نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت که میزان احساس عدالت اجتماعی دانشجویان برحسب جنسیت یکسان بوده است. مقایسه میانگین احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری برحسب وضعیت تاهل نشان داد میانگین احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری برحسب وضعیت تاهل در سطح اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معنی‌داری داشته است. به عبارت دیگر، بالاترین میانگین احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان مجرد و پایین‌ترین آن در بین مطلقه‌ها مشاهده شده است. همچنین، بررسی میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری برحسب وضعیت شغلی نشان داد که متوسط احساس عدالت اجتماعی بیکار در قیاس با شاغلین اندکی بالاست و این میزان اختلاف برحسب نتایج آزمون تفاوت میانگین معنی‌دار تلقی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری بر حسب وضعیت شغلی متفاوت بوده است.

جدول شماره ۵: آماره‌های توصیفی میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری برحسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	آزمون	گروه‌های متغیر مستقل	میانگین	مقدار آزمون	معنی‌داری	نتیجه آزمون
جنس	احساس عدالت اجتماعی	تفاوت میانگین	زن	۲/۷۰	۰/۳۲۱	۰/۷۴	عدم معنی‌داری
			مرد	۲/۶۹			
وضعیت تاهل	احساس عدالت اجتماعی	آنالیز واریانس یکطرفه	مجرد	۳/۷۷	۹/۶۸	۰/۰۰۰	معنی‌داری
			متاهل	۳/۶۱			
			مطلقه	۳/۴۷			
			فوت همسر	۳/۵۳			
وضعیت شغلی	تفاوت میانگین	تفاوت میانگین	بیکار	۲/۷۶	۳/۶۸	۰/۰۰۰	معنی‌داری
			شاغل	۲/۶۴			

برازش مدل ساختاری احساس عدالت اجتماعی

مدل معادلات ساختاری یکی از تکنیک‌های آماری است که برای تجزیه و تحلیل سیستماتیک داده‌های چند متغیره برای اندازه‌گیری ساختارهای نظری و روابط میان آنها استفاده می‌شود. مدل مفهومی تحقیق متشکل از متغیرهایی مانند سن، سرمایه فرهنگی، میزان نارضایتی اجتماعی و حقوق شهروندی برای تبیین تغییرات احساس عدالت اجتماعی است. نتایج بدست آمده از برازش مدل ساختاری احساس عدالت اجتماعی نشان می‌دهد که شاخص RMSEA (مقدار RMSEA برابر

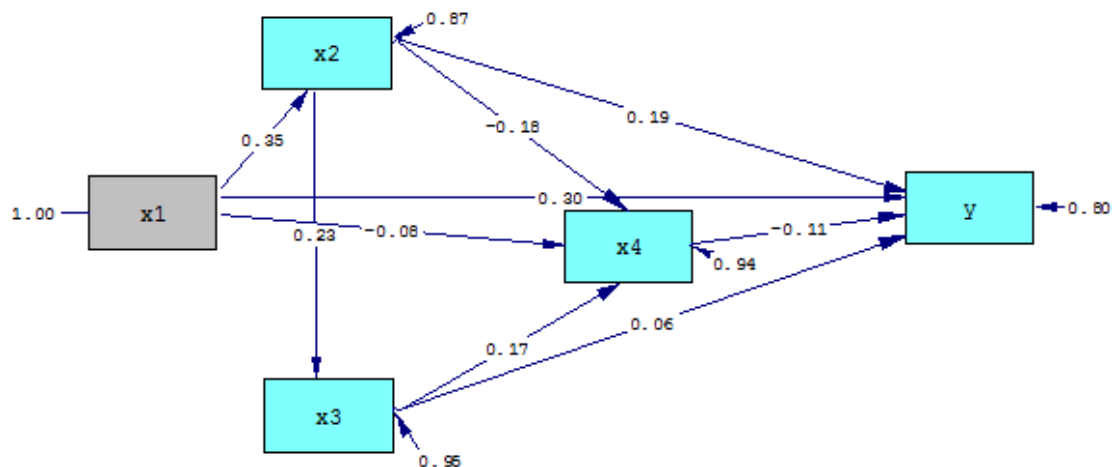
با $0/038$ و شاخص GFI نیز بالاتر از $0/90$ (برابر با $0/93$) است، نشان دهنده مناسب بودن مدل می‌باشد. آماره شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) با عنایت به اینکه برابر با $0/90$ می‌باشد، در حد مطلوب می‌باشد. این شاخص‌ها بیانگر آن است که مدل احساس عدالت اجتماعی تا حدودی از برازش مناسبی برخوردار می‌باشد.

آماره دیگری که به اندازه‌گیری برازش مدل می‌پردازد ریشهٔ مربعات باقیماندهٔ استاندارد (SRMR) است. باقیمانده برازش یافته تفاوت بین کواریانس جامعه نمونه و ماتریس کواریانس ضمنی جامعه آماری است. در صورتی برازش مدل مناسب است که SRMR کمتر از $0/05$ باشد. با توجه به اینکه مقدار ریشهٔ مربعات باقیماندهٔ استاندارد (SRMR) برابر با $0/011$ است، بنابراین برازش مدل مناسب می‌باشد. همچنین براساس آماره خی دو فرض صفر این است که مدل به طور کامل با داده‌های جامعه آماری برازش دارد. زمانی که خی دو از نظر آماری معنی‌دار نباشد منجر به تایید این فرض می‌گردد و نشان می‌دهد که مدل مورد نظر از برازش کامل برخوردار است و مدل تایید می‌شود. نتایج خی دوی مدل حاکی از آن است که مقدار آن برابر با $3/33$ است که در سطح بالاتر از $0/05$ (برابر با $0/068$) است. که بیانگر این است که مدل مورد نظر کفایت لازم را دارد و حاکی از برازش مناسب مدل می‌باشد.

شاخص‌های نسبی برازندگی مدل موجود را با مدل صفر یا خط پایه که در آن فرض می‌شود متغیرهای مکنون موجود در مدل ناهمبسته‌اند (یعنی مدل استقلال) مورد مقایسه قرار می‌دهند. اگر آماره شاخص‌های نسبی نزدیک به ۱ و تا حدودی بالای $0/9$ باشند نشان دهنده این امر است مدل مورد نظر در مقایسه با مدل صفر یک مدل مطلوب به حساب می‌آید. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که شاخص برازش افزایشی (IFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص نرم شده برازندگی (NFI)، شاخص برازش غیر نرم (NNFI) و شاخص برازش نسبی (RFI) به ترتیب برابر با $0/97$ ، $0/99$ ، $0/96$ و $0/95$ می‌باشد. این مقادیر بیانگر این است که مدل احساس عدالت اجتماعی نسبت به مدل خط پایه مناسب بوده است و مدل مورد نظر از برازش خوبی برخوردار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که مدل معادلات ساختاری برازش شده مدل مناسبی جهت تبیین تغییرات احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شبستر بوده و این مدل توانسته به طور معنی‌داری ۲۰ درصد از تغییرات آن را مورد تبیین قرار دهد.

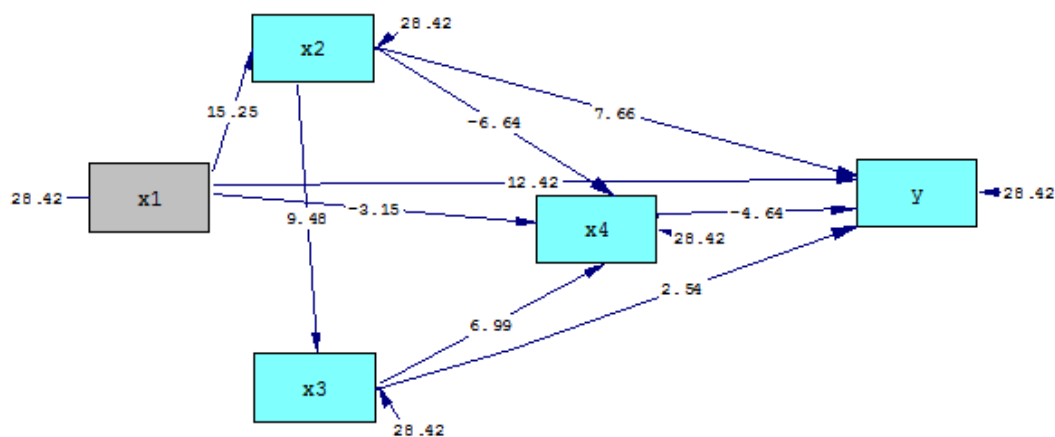
جدول شماره ۵: برآورد نیکویی برازش کلی مدل

نام شاخص	مقدار مطلوب	مدل برازش داده شده	وضعیت
ریشهٔ میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	کوچکتر از $0/08$	$0/038$	مطلوب
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بزرگتر از $0/9$	$0/99$	مطلوب
شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)	بزرگتر از $0/9$	$0/98$	مطلوب
ریشهٔ مربعات باقیماندهٔ استاندارد (SRMR)	کمتر از $0/05$	$0/011$	مطلوب
کمیت خی دو	هر چه کمتر مطلوب‌تر	$3/33$ ($p = 0/068$)	مطلوب‌تر
شاخص برازش افزایشی (IFI)	بزرگتر از $0/9$	$0/97$	مطلوب
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	بزرگتر از $0/9$	$0/99$	مطلوب
شاخص نرم شده برازندگی (NFI)	بزرگتر از $0/9$	$0/99$	مطلوب
شاخص برازش غیر نرم (NNFI)	بزرگتر از $0/9$	$0/96$	مطلوب
شاخص برازش نسبی (RFI)	بزرگتر از $0/9$	$0/95$	مطلوب



Chi-Square=3.33, df=1, P-value=0.06803, RMSEA=0.038

شکل شماره ۱: مدل معادلات ساختاری بر اساس مقادیر بتای استاندارد شده



Chi-Square=3.33, df=1, P-value=0.06803, RMSEA=0.038

شکل شماره ۲: مدل معادلات ساختاری بر اساس مقادیر آزمون T

ارزیابی بخش ساختاری مدل

براساس شکل شماره (۱) متغیر سن، متغیر بیرونی و متغیرهای احساس عدالت اجتماعی، نارضایتی از زندگی، سرمایه فرهنگی و حقوق شهروندی متغیرهای درونی به شمار می‌آیند. نتایج (شکل شماره ۲) حاکی از آن است که متغیر سن هر ۳ متغیر درونی اصلی یعنی احساس عدالت اجتماعی، و متغیر درونی نارضایتی از زندگی، سرمایه فرهنگی را تحت تاثیر قرار داده است. این میزان تاثیر بر متغیرهای احساس عدالت اجتماعی، از سوی نارضایتی از زندگی و سرمایه فرهنگی با توجه به اینکه ضریب t آن بزرگتر از ۱/۹۶ است، معنی‌دار می‌باشد. ولی تاثیر متغیر سن بر متغیر حقوق شهروندی با توجه به اینکه ضریب t آن کوچکتر از ۱/۹۶ است، معنادار نمی‌باشد.

همچنین در میان تاثیرات متغیرهای درونی مستقل بر یکدیگر باید اذعان داشت که تاثیر متغیر سرمایه فرهنگی بر متغیرهای نارضایتی از زندگی و احساس عدالت اجتماعی، تاثیر متغیر نارضایتی از زندگی بر متغیر احساس عدالت اجتماعی، تاثیر متغیر حقوق شهروندی بر متغیر احساس عدالت اجتماعی با توجه به اینکه ضرایب t تاثیرات همه متغیرهای مذکور، بالای ۱/۹۶ (معادل با سطح معناداری ۰/۰۵ در تحقیقات اجتماعی) است، از نظر آماری معنادار می‌باشند.

براساس نتایج جدول (۶)، متغیر سن توانسته بصورت مستقیم و غیرمستقیم (با تاثیر مستقیم ۰/۳۰، غیرمستقیم ۰/۰۸۶ و تاثیر کل ۰/۳۸۶) تاثیر معنادار و مثبتی بر متغیر احساس عدالت اجتماعی داشته باشد. بدین معنا که با افزایش یک واحد استاندارد در متغیر سن، میزان احساس عدالت اجتماعی با ضریب ۰/۳۸۶ واحد استاندارد افزایش می‌یابد. همچنین متغیر سرمایه فرهنگی هم بصورت مستقیم و غیرمستقیم (با تاثیر مستقیم ۰/۱۹، غیرمستقیم ۰/۰۲۸ و تاثیر کل ۰/۲۱۷) تاثیر معنادار و مثبتی بر متغیر احساس عدالت اجتماعی داشته باشد. بدین معنا که با افزایش یک واحد استاندارد در متغیر سرمایه فرهنگی، میزان احساس عدالت اجتماعی با ضریب ۰/۲۱۷ واحد استاندارد افزایش می‌یابد. متغیر حقوق شهروندی توانسته بصورت مستقیم و غیرمستقیم (با تاثیر مستقیم ۰/۰۶، غیرمستقیم ۰/۰۱۸ و تاثیر کل ۰/۰۴) تاثیر معنادار و مثبتی بر متغیر احساس عدالت اجتماعی داشته باشد. بدین معنا که با افزایش یک واحد استاندارد در متغیر حقوق شهروندی، میزان احساس عدالت اجتماعی با ضریب ۰/۰۴ واحد استاندارد افزایش می‌یابد. در نهایت، متغیر نارضایتی از زندگی نیز تنها بصورت مستقیم و با ضریب ۰/۱۱- تاثیر معنادار و منفی بر متغیر احساس عدالت اجتماعی دارد. به این صورت که با افزایش یک واحد استاندارد در متغیر میزان نارضایتی از زندگی، میزان احساس عدالت اجتماعی با ضریب ۰/۱۰۷- واحد استاندارد کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۶: تاثیرات استاندارد متغیرهای مستقل بر احساس عدالت اجتماعی

متغیرهای مستقل	تاثیرات مستقیم	تاثیرات غیرمستقیم	تاثیرات کل	مقدار T	ضریب تعیین
سن (x1)	۰/۳۰	۰/۰۸۶	۰/۳۸۶		
سرمایه فرهنگی (x2)	۰/۱۹	۰/۰۲۸	۰/۲۱۷	۲۸/۴۲	۰/۲۰
حقوق شهروندی (x3)	۰/۰۶	۰/۰۱۸	۰/۰۴		
نارضایتی از زندگی (x4)	-۰/۱۱	-	-۰/۱۰۷		

در بین متغیرهای موجود در مدل ساختاری سن و سرمایه فرهنگی به ترتیب بیشترین تاثیر مستقیم و غیرمستقیم را بر میزان احساس عدالت اجتماعی دارد. کمترین میزان تاثیر بر احساس عدالت اجتماعی ناشی از حقوق شهروندی بوده است. همچنین چون متغیر میزان نارضایتی از زندگی دورنی‌ترین متغیر مدل محسوب می‌شود. اثر مستقیم آن برابر با اثر کل آن است. این متغیر در مقایسه با دیگر متغیرها تأثیرش معکوس و منفی می‌باشد. به این معنی که با افزایش در میزان نارضایتی از زندگی، احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شبستر کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری در حد متوسط بوده است. بررسی میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری برحسب جنسیت معنی‌دار نبوده در مقابل میانگین احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری برحسب وضعیت تاهل و وضعیت شغلی معنی‌داری بوده است. نتایج مدل معادلات ساختاری حاکی از آن است سن، میزان نارضایتی از زندگی، سرمایه فرهنگی و حقوق شهروندی در مجموع توانستند ۲۰ درصد از تغییرات متغیر احساس عدالت اجتماعی را تبیین نمایند. در این بین متغیر سن بیشترین تاثیر را داشته و پس از آن به ترتیب متغیرهای سرمایه فرهنگی، نارضایتی از زندگی و حقوق شهروندی به ترتیب در رده‌های بعدی قرار گرفتند. با توجه به جامعه

آماری تحقیق می‌توان گفت که افراد دارای سن پایین به علت عدم اشتغال احساس عدالت اجتماعی پایین‌تری داشته‌اند؛ به عبارت دیگر هرچقدر بر سن افراد افزوده شده است به همان میزان بر احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری بالاتر رفته است.

طبق نتایج تحقیق، سرمایه فرهنگی در تبیین میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری نقش بسزایی داشته است. براساس نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو را شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب در اشکال سه‌گانه سرمایه فرهنگی می‌تواند موجبات تحقق احساس عدالت اجتماعی شهروندان گردد. مدارک تحصیلی و آکادمیک، نمونه‌ای از این حالت است. به نظر می‌رسد که هر چقدر مصادیق سرمایه فرهنگی در جامعه بیشتر تحقق یابد به احساس عدالت اجتماعی هم در جامعه بیشتر منجر خواهد شد. نتایج تحقیق هزار جریبی (۱۳۹۰) تحقیق نشان داد که میزان احساس عدالت و سرمایه فرهنگی رابطه معنی‌داری وجود دارد و نتایج تحقیق قنبری و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که بین سه متغیر عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار مشاهده شده است. بنابراین نتایج تحقیق حاضر با نظریه بوردیو و تحقیقات قبلی همسو بوده است.

میزان نارضایتی از زندگی به عنوان متغیر تاثیرگذار و میانجی نقش تعیین‌کننده و موثری در تبیین میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری نقش بسزایی داشته است. چرا که متغیر سن، سرمایه فرهنگی و حقوق شهروندی علاوه بر تأثیرات مستقیم از طریق متغیر میزان نارضایتی از زندگی، اثرات غیر مستقیمی در تبیین میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان شبستری داشته‌اند. بنابراین، طبق نظریه برابری آدامز، افراد، از رفتار عادلانه و منصفانه استقبال می‌کنند. این نظریه تأکید می‌کند که اگر افراد، در قیاس داشته‌ها و نداشته‌های خود را با داشته‌ها و نداشته‌های دیگران احساس نمایند که تبعیضی بر علیه آنها اتفاق افتاد است، تصمیم به عکس‌العمل می‌گیرند. در ارتباط رضایت‌مندی و عدالت اجتماعی می‌توان گفت عدالت یعنی برقراری سطحی از تعادل اجتماعی که در آن هر کس بتواند به حق خود برسد. تعادل نیز زمانی برقرار می‌شود که امکان مبادله به رضایت بین افراد برقرار شود لازمه امکان مبادله به، رضایت داشتن حق انتخاب و برقراری آزادی در رفتار است. نتایج تحقیق حیدری ساریان و ثابت (۱۳۹۸) بر آن است که احساس عدالت اجتماعی از طریق تقویت مولفه‌های دسترسی به منابع، حکمروایی خوب مسیر می‌شود. نتایج تحقیق نیازی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که بین عوامل مورد بررسی (عدالت توزیعی، مصرف‌گرایی، امنیت اجتماعی) و میزان رضایت از زندگی، رابطه مستقیم و همبستگی مثبت وجود دارد. نتایج تحلیلی مقاله ریس و همکاران (۲۰۲۲) بر آن است که عملکرد شهروندی جمعی موجب افزایش قابل توجهی در کیفیت زندگی، میزان و رضایت از فعالیت‌های خود، رضایت از کار، و رضایت از امور مالی خود و رضایت از زندگی داشتند و می‌تواند ارتباطات انسانی را ارتقا بخشد و موجب عدالت اجتماعی و توانمندسازی جمعی گردد. هاکینگ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای بر «عدالت شغلی به عنوان عدالت اجتماعی» به عنوان جنبه‌ای از عدالت اجتماعی تأکید می‌کند و محرومیت شغلی تقریباً همیشه مورد استناد قرار می‌دهند و نقض حقوق شغلی مردم شناسایی می‌شود. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که عدالت شغلی موجب تحقق حقوق شهروندی، تقویت سرمایه‌های فرهنگی و رضایت از زندگی خواهد شد.

متغیر حقوق شهروندی نیز توانسته بصورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیر معنادار و مثبتی بر متغیر احساس عدالت اجتماعی داشته باشد. در این زمینه، فاینشتاین معتقدند که فلسفه‌ی عدالت عمدتاً بر مصادیق اجتماعی آن که به گفته‌ی مارشال به شکل حقوق اجتماعی پس از حقوق مدنی و سیاسی و در شرایطی که رفاه نسبی برقرار می‌شود ظهور می‌کند. در هر کشوری که به طور نسبی از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار است بنیان‌های حقوق اجتماعی شکل می‌گیرد حقوق اجتماعی پایه‌ی سیاست اجتماعی است که به منظور بهبود رفاه و برآورده ساختن نیازهای انسانی اتخاذ می‌شود و نوعی مداخله‌ی عامدانه‌ی دولت یا نهادهای اجتماعی به منظور کاهش نابرابری‌ها و برقراری عدالت اجتماعی است. سیاست اجتماعی سه کارکرد مهم دارد که هر یک از آنها می‌تواند به کاهش نابرابری، توانمندسازی ایجاد عدالت و تعادل بخشی اجتماعی و اقتصادی جامعه یاری رساند. نتایج تحقیق نوروزی و گل پرور (۱۳۹۰) نشان داد که میزان برخورداری زنان از حقوق شهروندی پایین است.

همچنین متغیرهای سن و وضعیت تاهل بر میزان برخورداری زنان از حقوق شهروندی موثر است. نتایج تحقیق فرجی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که احساس برخورداری از حقوق شهروندی (ابعاد حقوق اجتماعی، فرهنگی و مدنی) جهت‌گیری جامعه‌پسندانه را در جهت مثبت پیش‌بینی می‌کنند. همچنین نتایج تحقیق مشکینی و نصرتی (۱۴۰۰) نشان داد که متغیر «آموزش حقوق شهروندی»، اثرگذاری بسیار بالایی جهت تحقق عدالت اجتماعی در شهرهای ایران برخوردار می‌باشند. و نیز نتایج تحقیق لشکری (۱۳۹۶) نشان داد که فساد از توزیع عادلانه فرصت‌های اقتصادی، افزایش رفاه عمومی و ایجاد نظام اداری سالم جلوگیری کرده و موجب کاهش سرمایه اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌شود.

در کل همان‌طوریکه جان رالز در نظریه عدالت خود از استدلال قرارداد اجتماعی روسو استفاده کرد تا نشان دهد که عدالت، و به ویژه عدالت توزیعی، نوعی انصاف است؛ یعنی به توزیع بی‌طرفانه کالاها و خدمات منجر می‌شود. شکل‌گیری حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی در دوران مدرن، مظاهر جدیدی از تقاضاهای انسانی و اجتماعی ایجاد کرده که تلقی (احساس) از عدالت را به شدت دستخوش تحول نموده است. ابعاد اجتماعی عدالت کاملاً مرتبط با سیاست‌گذاری‌های اجتماعی فضایی در حوزه‌هایی چون سلامت تأمین اجتماعی، مسکن، اشتغال، آموزش، دسترسی به خدمات و تسهیلات شهری و مواردی از این دست‌ها است. در مجموع همان‌طوری که نتایج تحقیق نشان داد مدل ساختاری تحقیق شامل متغیرهای سن، وضعیت اشتغال، وضعیت تاهل، رضایت از زندگی، سرمایه فرهنگی، حقوق شهروندی که توانسته است به طور معنی‌داری تغییرات احساس عدالت اجتماعی را تبیین نماید، مدل مناسبی محسوب می‌شود. برای تقویت احساس عدالت، راهبردی یکپارچه بر محور سه عامل سرمایه فرهنگی، نارضایتی از زندگی و حقوق شهروندی ضروری است. این راهبرد بر هم‌افزایی این سه حوزه تأکید دارد. نخست، برای ارتقای سرمایه فرهنگی به‌عنوان چارچوب ذهنی قضاوت درباره عدالت، باید دسترسی همگانی به آموزش شهروندی، تفکر انتقادی و رسانه‌های ترویج‌دهنده مفاهیم کرامت و انصاف از طریق کارگاه‌های محلی و تولیدات فرهنگی جذاب فراهم شود. هم‌زمان، برای کاهش نارضایتی از زندگی به‌عنوان عامل تیره‌کننده ارزیابی افراد، لازم است فشار معیشتی با تقویت شبکه تأمین اجتماعی، بیمه، مسکن ارزان، درمان با کیفیت و ایجاد فرصت‌های برابر اشتغال کاهش یابد تا انرژی روانی برای قضاوت منصفانه آزاد شود. در نهایت، برای تضمین اجرای حقوق شهروندی به‌عنوان بستر ساختاری عدالت، باید سازوکارهای شفاف و ساده دادخواهی (سامانه‌های پیگیری، پاسخگویی الزامی نهادها) ایجاد و با هرگونه تبعیض برخورد قاطع و یکسان شود. شفاف‌سازی بودجه و تقویت نهادهای مدنی نیز در این مسیر حیاتی است. انسجام این سه محور در عمل، مانند اجرای برنامه‌های توانمندسازی محلی که هم‌زمان آموزش حقوقی، تعاونی اشتغال و شوراهای حل اختلاف را ارائه دهند، تحقق یافته و زمینه‌ساز نهادینه‌شدن احساس عدالت در جامعه می‌شود.

منابع




- افشانی، ع. و کبریایی، ش. (۱۳۹۹). از احساس بی‌عدالتی تا بدبینی اجتماعی: رنج مضاعف شهروندان، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۱۰، شماره ۲، اسفند ۱۳۹۸، صفحه ۷-۲۷. (DOI: [10.22059/ijsp.2020.77480](https://doi.org/10.22059/ijsp.2020.77480))
- اثری تمبکی، ع.، جعفری‌نیا، غ. و پاسلارزاده، ح. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط بین دینداری و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس، *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۳(۲)، ۲۳۸-۲۶۳. https://jou.spsiran.ir/article_119537.html
- باینگانی، ب. و کاظمی، ع.ل. (۱۳۸۹). «بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی». *فصلنامه برگ فرهنگ*، ۲۱-۸.
- بورديو، پ. (۱۳۹۰). *شکل‌های سرمایه، در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، گردآوری: کیان تاج‌بخش، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- بهرامی، و.، نیازی، م. و سهراب زاده، م. (۱۳۹۸). بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: شهروندان استان لرستان). *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۳۸(۱۰)، ۷۴-۳۵. <https://doi.org/10.22054/qjisd.2019.10343>
- پورعزت، ع.، فتحی، ف. (۱۳۹۹). *عدالت اجتماعی و حکمرانی*، تهران، انتشارات موسسه کتاب مهربان نشر.

- حیدری ساریان، و. و ثابت، ش. (۱۳۹۸). تبیین رابطه عدالت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی شهرستان اردبیل. *فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۹(۳۶)، ۶۷-۸۲. <https://search.isc.ac/dl/search/defaultta.aspx?DTC=8&DC=1130187>
- خادمیان، ط. و خانمحمدی، ا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر عدالت اجتماعی بر شادمانی اجتماعی جوانان شهر تهران. *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۲۵-۱۰۹. <https://www.sid.ir/paper/222458/fa>
- رالز، ج. (۱۴۰۰). *نظریه‌ای در باب عدالت*، ترجمه: مرتضی نوری، تهران: نشر مرکز، چاپ پنجم.
- عموقلی میرآخوری، ن. (۱۳۸۹). بررسی حقوق شهروندی در اسلام با رویکردی بر نظریات امام خمینی (ره). *نامه الهیات*، شماره ۱۳، ۸۷-۶۳.
- فاینشتاین، س. (۱۴۰۰). *عدالت شهری*، ترجمه‌ی: محمد حسین شریف‌زادگان و راضیه موسوی خورشیدی، تهران: نشر آگاه.
- فرجی، ر.، رنجبری، م.، مرادی، ا. و امیری، م. (۱۴۰۰). بررسی نقش احساس برخورداری از حقوق شهروندی و ابعاد سرمایه‌های اجتماعی بر جهت‌گیری جامعه‌پسندانه دانش‌آموزان. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۱(۴۱)، ۱۷-۳۰. <https://doi.org/10.22034/spr.2021.230213.1470>
- فرقانی، ب. (۱۴۰۰). *عدالت اجتماعی از منظر لیبرالیسم*، انتشارات دنیای اقتصاد، چاپ دوم.
- قبرئ، م.، حسینی، ه. و قدرتی، ح. (۱۴۰۱). نقش متغیرهای فردی و اجتماعی در ایجاد نشاط اجتماعی در شهر بیرجند. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۱(۱)، ۱۵۱-۱۷۱. <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.18480.1027>
- کوهی، ک. (۱۴۰۲). امنیت اجتماعی و دانشگاه: مدل‌سازی احساس امنیت اجتماعی در دانشگاه تبریز. *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، دوره ۱۲، شماره ۱: ۲۵-۴۶. (DOI: [10.22034/jeds.2023.49056.1593](https://doi.org/10.22034/jeds.2023.49056.1593))
- گروسی، س. و شمس‌الدینی مطلق، م. (۱۳۹۲). ادراک عدالت اجتماعی بر حسب میزان دسترسی شهروندان به خدمات شهری (مورد سناسی: شهر کرمان). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۹(۳)، ۶۶-۴۱. <https://sid.ir/paper/210344/fa>
- لشکری، م. (۱۳۹۶). بررسی حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی در فرآیند عدالت کیفری، *کنگره بین‌المللی حقوق شهروندی*، تهران، <https://civilica.com/doc/806914>
- مشکینی، ا.، نصرتی‌هشی، م. (۱۴۰۰). شناخت عامل‌های اثرگذار بر مسائل شهری ایران با رویکرد عدالت اجتماعی. *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۸(۱)، ۵۷-۷۶. <https://doi.org/10.22067/jgusd.2021.48219.0>
- مصطفوی‌ثانی، ع.، سرآبادانی، ح. و خاندوزی، ا. (۱۴۰۰). اولویت‌بندی و وزن‌دهی ابعاد شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی جهت سنجش آن در جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی*، ۱۳(۲۶)، ۱۱۳-۱۴۳. [10.30471/soci.2021.7146.1616](https://doi.org/10.30471/soci.2021.7146.1616)
- نوبی‌لوسانی، م. (۱۳۹۱). بررسی میزان احساس عدالت در بین شهروندان تهرانی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*. دانشگاه پیام نور، تهران.
- نوروزی، ف. و گل‌پرور، م. (۱۳۹۰). بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، *نشریه راهبرد*، ۲۰(۵۹)، ۱۶۷-۱۹۰. <https://www.ensani.ir/file/download/article/20120504180431-9058-22.pdf>
- نیازی، م.، گنجی، م. و نامورمقدم، ف. (۱۳۹۶). عوامل اجتماعی مؤثر بر رضایت از زندگی مورد مطالعه: شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۹۴. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۹(۳۱)، ۲۰۳-۲۲۹. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2017.8253>
- واقفی، ا. و حقیقتیان، م. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی (بعد نهادینه) بر رفتارهای اجتماعی زیست محیطی؛ با رویکرد توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر شیراز)، *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، ۳(۸)، ۶۵-۴۷.
- هاشمی، ح.، پورامین‌زاد، س. و پیمان‌طلب مستقیم، ب. (۱۳۸۸). حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی. *فرآیند مدیریت و توسعه*، ۲۲(۱ و ۲): ۵۹-۸۸. <https://origin-ir.magiran.com/p1546121.88-59>
- هزار جریبی، ج. (۱۳۹۰). بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲(۳)، ۴۱-۶۲. https://jas.ui.ac.ir/article_18233.html

References

- Basok, T, Ilcan, S, Noonan, J. (2006). *Citizenship, Human Rights, and Social Justice*, Citizenship Studies, Vol. 10, No. 3, 267–273. <https://doi.org/10.1080/13621020600772040>
- Doornenbal. P. (2015). Conceptualisation of citizenship for social justice With a particular interest on the 15M movement in Spain, *YSS-82812 BSc Thesis Sociology of Development*, WAGENINGENUR, <https://edepot.wur.nl/367803>.
- Economic Cooperation and Development Organization. (2013). Life satisfaction. Economic Cooperation and Development Organization (*OECD Better Life Index*). Retrieved 7 February 2013.
- Greenberg .J. (2004). Stress Fairness to Fare No Stress: managing Work Place Stress by Promoting Organizational Justice, *Organizational Dynamics*, 33, 322-365. DOI:[10.1016/j.orgdyn.2004.09.003](https://doi.org/10.1016/j.orgdyn.2004.09.003)
- Hayek, F. A. (1976). Law, legislation and liberty: a new statement of the liberal principles of justice and political economy. *Routledge & Kegan Paul*. 78.
- Hocking. C. (2017). Occupational justice as social justice: The moral claim for inclusion, *Journal of Occupational Science*, 24 (1), 29-42, Published online: 15 Mar 2017. <https://doi.org/10.1080/14427591.2017.1294016>
- Homans, G. (1974). Social behavior; its elementary forms (Rev. ed.). New York: *Harcourt, Brace, Jovanovich*. 246-249.
- Jia. Q., Jei. Z. and Huang. M. (2020). Life Satisfaction Predicts Perceived Social Justice: The Lower Your Life Satisfaction, the Less Just You Perceive Society to Be, *Personality and Social Psychology*, 11. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.540835>.
- Kleingeld, P., Brown, E. (2014). "Cosmopolitanism", in Zalta, Edward N. (ed.), The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Fall 2014 ed.), *Metaphysics Research Lab*, Stanford University, retrieved 14 December 2018.
- Moore, M. (2021). "Justice Principles, Empirical Beliefs, and Cognitive Biases: Reply to Buchanan's 'When Knowing What Is Just and Being Committed to Achieving it Is Not Enough'. *Journal of Applied Philosophy*. 38 (5): 736-741. <https://doi.org/10.1111/japp.12547>
- Nagel, Th. (2005). "The Problem of Global Justice". *Philosophy & Public Affairs*. 33 (2): 113-147. <https://people.brandeis.edu/~teuber/Nagel-The-Problem-of-Global-Justice.pdf>
- Oxford Dictionary (2023). Definition of social justice in English by *Oxford*, <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/social-justice>.
- Rawls, J. (1999). *A Theory of Justice* (revised edition, Oxford: Oxford University Press.
- Reis, G., Bromage, B., Rowe, M., Restrepo-Toro, M.E., Bellamy, C., Costa, M., Davidson, L. (2022). Citizenship, Social Justice and Collective Empowerment: Living Outside Mental Illness. *Psychiatr Q*. 93(2): 537-546. DOI: [10.1007/s11126-021-09968-x](https://doi.org/10.1007/s11126-021-09968-x)
- Robbins, S. P. (2001). *Organizational Behavior*, New Dehli. Prentice Hall, Inc.
- Sjoberg, G., Gill, E. A. & Williams, N. (2001). *A sociology of human rights, Social Problems*, 48(1), 11–47. <https://doi.org/10.1525/sp.2001.48.1.11>
- The World Justice Project (2025). *Global Insights on Access to Justice*, <https://worldjusticeproject.org/>
- United N. (2006). *Social Justice in an Open World: The Role of the United Nation*. New York, USA.

Sociological explanation of the feeling of social justice among the citizens of Shabestar city

Kamal Koochi^{1*}  | Safar Hayati²  | Samad Sattari Alishah³ 

1. Corresponding Author*, Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences and Founding Member of the Health Sociology Hub of Tabriz University and Director of the Social Issues Research Group of the Institute of Social Research, Tabriz, Iran. Email: k.koochi@Tabrizu.ac.ir

2. Assistant Professor of Sociology, Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: s.hayati@tabrizu.ac.ir.

3. PhD student in Economic Sociology and Development, Jolfa International Campus, Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: samad.sattary60@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Paper

Article History:

Received: 16 September 2025

Accepted: 24 May 2026

Published: 11 July 2026

Keywords:

Sense of social justice, distributive justice, procedural justice, dissatisfaction with life, cultural capital and citizenship rights

ABSTRACT

Introduction: Social justice has been one of the challenging concepts throughout history, and many scholars have theorized about justice, especially social justice. However, one of the fundamental problems and challenges of any society has been the distribution of resources based on social justice. In this regard the present article attempts to explain the feeling of social justice among Shabestar citizens from a sociological perspective.

Methodology: The research method is quantitative and the technique used to implement it was a survey method. The statistical population consists of residents of Shabestar aged 15 and above, numbering 16,985 people. Of this number, 1,615 people were selected for the study using a random cluster sampling method. The data collection tool was a questionnaire. According to the results obtained from the reliability analysis of the scales of the variables, the values of all scales were greater than 0.7.

Results: The results of the research showed that the level of feeling of social justice among the citizens of Shabestar was slightly moderate to high (2.59 out of 5 and 53.8 out of 100). This level of feeling of social justice was the same by gender and the observed difference was not considered significant at the 95% confidence level. However, the average feeling of social justice of Shabestari citizens was significant by marital status and employment status, and single and unemployed people had the highest feeling of social justice and divorced and employed people had the lowest feeling of justice. Also, the results obtained from fitting the structural model indicate that firstly, the structural model of the research is a suitable model for explaining changes in the feeling of social justice of citizens and 20% of the changes in social justice are explained by the model variables, namely age, level of dissatisfaction with life, cultural capital and citizenship rights. Second, among the model variables, age and cultural capital had the highest positive effect and level of dissatisfaction with life had the highest negative effect on the feeling of Social justice.

Conclusions: The level of feeling of social justice is a function of marital status, employment status, age, level of dissatisfaction with life, cultural capital, and citizenship rights. Therefore, these factors should be considered in policies related to social justice.

Cite this article: Koochi, K., Hayati, S., Sattari Alishah, S. (2026). Sociological explanation of the feeling of social justice among the citizens of Shabestar city. *Economic Sociology and Development*, 15 (1), 227-246

